

## نظور روشی تفکر تأویلی در اسلام از کندی تا میرداماد

سیدمحمدحسین میردامادی\*

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی دورنمایی از روش تفکر تأویلی حکمای اسلامی قبل از ملاصدرا پرداخته است. هرچند تفکر تأویلی همیشه به یک معنا بکار نرفته اما خصوصیت کلی آن، عدم تصلب به ظاهر و همراهی عقل و ملزومات آن با متن وحیانی بوده است. نگاه به این سیر تاریخی نشان‌دهنده رشد کلی (هر چند با فراز و فرود) این روش در درون سنت حکمی اسلامی، است. دلیل این ادعا اینست که فرایند تأویل از دوگانه‌بینی دین و فلسفه بسمت وحدت مراتبی آن پیش آمده است. تفکر کاشف وحدت - اگر مستدل باشد - نشانه رشد عقلی است، چراکه عقل وحدت‌گرا و خیال کثرت‌گراست. در یک نگاه تاریخی میتوان گفت تفکر تأویلی حکما از موضع دفاع از دین و فلسفه در مقابل یکدیگر که بسته به حکیم مورد بحث، گاهی با جانبداری از ظواهر دین و گاه با جانبداری از عقل و فلسفه بوده، بتدریج به این سو سوق پیدا کرده که حقیقت دین و عقل در طول هم بوده و جدا از هم نیستند، بلکه حقیقتی واحدند که با زبانهای مختلف بیان شده و آنچه مهم است درک روش و زبان بیان و محدودیتهای آن است. بنابراین شاهد سیر از انحصارگرایی و جزئی‌نگری به جامعه‌گرایی و جامع‌نگری هستیم. روش این مقاله توصیفی -

۱۴۷

\* دانش‌آموخته دکتری فلسفه، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛ smhm751@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۵ نوع مقاله: پژوهشی



DOR: 20.1001.1.20089589.1400.12.2.1.9

سال ۱۲، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۰  
صفحات ۱۷۶-۱۴۷

تحلیلی است و با هدف نشان دادن سیر اندیشه تأویلی در مهم‌ترین حکمای قبل از ملاصدرا تدوین شده است.

**کلیدواژگان:** تأویل، فلسفه، دین، روش‌شناسی.

\*\*\*

### مقدمه

تأویل در معانی مختلفی بکار رفته است که تمام معانی با همه گوناگونی مصادیق آن در عدم تصلب نسبت به ظاهر اشتراک دارند. در تأویل، حقیقت در یک بعد از معرفت منحصر نیست بلکه ابزار مختلف معرفت بکار گرفته میشود تا حقیقت را بهتر بتوانند نشان دهند. در اینجا رأی حکیم تأویلگر است که تعیین میکند در موازنه عقل و نقل کدام را ترجیح دهد یا در جمع این دو چگونه عمل کند.

از آنجا که حکمت بدنبال حقیقت است، مبحث تأویل، مبحثی معمول و متداول در آثار حکما بوده است و همانطور که حکمت دارای تاریخ است، تأویل و تفکر تأویلی نیز تاریخمند است. اگر حکمت را بطور عام بمعنی تلقی اشخاص از واقعیت بدانیم و معانی پذیرفته شده از حکمت را در تاریخ حکیمان مسلمان در نظر آوریم، با حکمای بسیاری از ایرانشهری، ابن‌راوندی گرفته تا محمد بن زکریای رازی، اخوان الصفا، ابوالحسن عامری، ابن‌مسکویه، ابوسلیمان منطقی سجستانی، ابوریحان بیرونی، ابوالبرکات بغدادی، شهرستانی، فخررازی، ابن‌خلدون و حکمای مکتب شیراز مواجه خواهیم شد. اما اگر بدنبال کسانی باشیم که صاحب مکتب یا دست‌کم صاحب ایده‌های نسبتاً جدیدتر حکمی در بحث تأویل باشند و از طرف دیگر، از حیث ارجاع به آثارشان در زمان ما شهرت بیشتری داشته باشند، به افرادی میرسیم که در این مقاله به آنها اشاره شده است. اینها نقاط عطف تاریخ تفکر تأویلی با ملاحظات فوق هستند.

کاربرد تأویل هم در متن مکتوب و هم در تفسیر هستی و هر واقعه‌یی قابل تسری است اما پرکاربردترین روشهای تأویلی حکما در قرآن و متون روایی بوده است؛ بهمین دلیل است که بررسی رابطه دین و عقل - بعنوان منبعی معرفتی که گاه احکام آن با متون

۱۴۸



سال ۱۲، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۰